هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



دیگر اجازه ندهیم کشور یکپارچه و متحد ما را به نام شمال و جنوب، و ملیت های برادر ما را به نام پشتون، تاجیک، هزاره و ازبیک از هم جدا سازند. همه باهم بر مبنای اخوت اسلامی که اساسی ترین رمز و راز اتحاد ملت ماست و بر اساس وحدت ملی، مشترکات فرهنگی، افتخارات مشترک تاریخی، به عنوان یک ملت واحد، آزاد و سربلند مرحلهٔ جدیدی از تاریخ حیات اسلامی و ملی خویش را آغاز نماییم.

از فرموده های استاد شهید در همایش انتقال قدرت
اول جدی ۱۳۸۰ – تالار وزارت امور داخله

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ سی و نهم ۲۷ حوت ۱۳۹۰ ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۳۳ - 17 March 2012

صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان، در همایش سالروز شهادت عبدالرحمن سید خیلی:

اگر پروندهٔ شهادت فرماندهان جهادی به جدیت دنبال می شد، سرنخ بسیاری از دسیسه ها به دست می آمد





- خداوند شهداء راخودش انتخاب می کند
- وقت شهادت شان را
- جای شهادت شان را
- و سبب شهادت شان را.

از فرموده های رهبر شهید استاد برهان الدین ربانی، در محفلی شهادت فرماندهٔ مدبر دوره های جهاد و مقاومت، شهید عبدالرحمن سید خیلی
(حوت ۱۳۸۹)

روز یکشنبهٔ هفتهٔ گذشته (۲۱ حوت)، همایشی به مناسبت یادبود از اولین سالگرد شهادت عبدالرحمن سید خیلی از فرماندهان دوره های جهاد و مقاومت و قوماندان امنیهٔ سابق ولایت کندز در کابل برگزار شد. سید خیلی که از فرماندهان سابق جمعیت اسلامی افغانستان و از جمله فعالین این حزب بود، در حملهٔ انتحاری ماه حوت سال ۱۳۸۹ هجری شمسی، از سوی دشمنان مردم افغانستان، در ولایت کندز به شهادت رسید.
روحش شاد و یادش گرامی باد.

نباید از کنار حادثهٔ پنجوایی بی تفاوت گذشت!

◆ **نذرالله عنایت**

به دنبال تیراندازی یک ضابط امریکایی در ولسوالی پنجوایی ولایت قندهار که هفتهٔ گذشته صورت گرفت و دست کم ۱۶ نفر از جمله ۹ کودک و سه زن شهید شدند، واکنش های زیادی را برانگیخت. دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری با صدور اعلامیهٔ این حمله را محکوم نموده خواهان تحقیقات سریع در مورد شد. پس از وقوع این حادثه باراک اوباما رئیس جمهور امریکا در تماس تلفنی که با حامد کرزی داشت با اظهار تأسف و تسلیت به همتای افغانستانی اش قول داد که مسببین این حمله را محاکمه خواهد نمود. اوباما گفت که با شنیدن این خبر شوکه شده است و دولت وی مصمم است به سرعت در مورد کشته شدن غیرنظامیان قندهار تحقیق نماید. در ادامهٔ این گونه واکنش ها مجلس نمایندگان افغانستان ضمن محکوم نمودن این رخداد تصریح کردندکه دیگر صبر و حوصلهٔ مردم افغانستان به آخر رسیده است و باید قاتلان افراد ملکی در دادگاه های افغانستان طبق قوانین ملی به طور علنی محاکمه شود. اندکی پس از آن، وزارت دفاع امریکا گفت، فردی که دست به چنین عمل زده است، ممکن به جزای سنگین محکوم شود، اما محکومیت وی طبق قانون امریکا در جغرافیای بیرون از افغانستان صورت خواهد گرفت. بنا به گفتهٔ جان کربی سخنگوی وزارت دفاع قاتل ص۷

استاد عطامحمد نور از مذاکرات صلحِ در خفا، ابراز نگرانی کرد



هفده سال از شهادت عبدالعلی مزاری رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان می گذرد، استاد مزاری به تاریخ ۲۲ حوت سال ۱۳۷۳ توسط طالبان دستگیر و بعداً به شهادت رسانیدند. از این روز که هفتهٔ گذشته در شهر مزارشریف یادبود بعمل آمد، استاد عطامحمد نور والی ولایت بلخ نیز سخنرانی کرد و از ایثار و فداکاری مجاهدان یاد آور شد که طی دو دورهٔ پرافتخار (جهاد و مقاومت) توانستند افتخارات فراموش ناشدنی را به ملت سرافراز افغانستان کمایی کنند.

استاد نور در شرایط کنونی کشور، یگانه راه برون رفت از چالش ها را، تأمین وحدت ملی وانمود کرد. وی با ابراز نگرانی از آینده گفت، دور نیست که کشورما پس از سال ۲۰۱۴ که نیروهای خارجی افغانستان را ترک نمایند، بار دیگر در گودال ناامنی عمیق فرو نرود. قرار است که تمام مسوولیت های امنیتی تا پایان سال ۲۰۱۴ میلادی از نیروهای خارجی به نیروهای افغان واگذار گردد.

والی بلخ که روی وحدت ملی تأکید می کرد گفت: «برای بهبود حالات باید همه ص ۲

طالبان، تعلیق مذاکرات قطر و سیاست های مبهم امریکا



سال نو مبارک

«مجاهد» فرارسی سال نو هجری خورشیدی را به عموم شهروندان کشور تبریک و تهنیت می گوید. آرزومندی براین است تا سال نو، سال تأمین امنیت، ختم جنگ، تحکیم صلح و آرامش و رفاه مردم ما باشد.

سال ۱۳۹۰ سال حادثه آفرین
ص۲

سال نو با امیدهای کهنه
ص۷

نگاهی به پیدایش و پیشینهٔ نوروز
ص۴

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تاسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahco& hotmail .com

سرمقاله

سال ۱۳۹۰، سال حادثه آفرین

مطابق تقویم، در روزهای پایانی سال ۱۳۹۰ هجری خورشیدی قرار داریم. سالی که گذشت علاوه بر دستاوردها و پیشرفت ها در عرصه های گوناگون، سال پرحادثهٔ بود. در این سال حملات انتحاری و انفجاری، وقوع حوادث طبیعی جان تعدادی از هموطنان ما را گرفت و بر معلول و معیوب این کشور نیز افزود. در آخرین هفته های این سال هم شاهد تداوم ناامنی، انفجار ،انتحار، کشته و زخمی شدن تعدادی از هموطنان مان در برخی مناطق کشور بودیم.

در این سال، استاد برهان الدین ربانی رهبر مدبر و خردمند جمعیت اسلامی که در طول دوره های جهاد و مقاومت مردم افغانستان، رهبری این دو دورهٔ افتخار آفرین را داشت، با کماشته ای انتحاری از سوی دشمنان سوگند خوردهٔ مردم افغانستان به نام پیام آور صلح، جام شهادت نوشید. در همین سال در قتل های زنجیره ای، تعدادی از فرماندهان دوره های جهاد و مقاومت و متنفذین قومی جام شهادت نوشیدند که روح همه شهداء را شاد و جایگاه شان را بهشت برین و به بازماندگان شان صبر جمیل می خواهیم.

در این سال رهبر گروه القاعده (اسامه بن لادن) که رهبری جنگ بر ضد نیروهای امریکا و ائتلاف را در افغانستان و پاکستان داشت، در منزلش در ایبت آباد (شهرک نیمه نظامی) پاکستان در یک عملیات شبانه کماندوهای امریکایی کشته شد.

در اثر خیزش های مردمی، تحولاتی در کشورهای عربی خاورمیانه رخ داد که به نام بهار عربی شهرت یافت، تاج و تخت را از حاکمانی چون: حسنی مبارک (مصر)، بن علی (تونس)، معمر القذافی (لیبی) و علی عبدالله صالح (یمن) گرفت و به حاکمیت کم و بیش از چهل سالهٔ شان نقطهٔ پایان داد. در کل تحولات جهان عرب قدرت مردمی را به نمایش گذاشت و لرزه بر اندام حاکمان سلطه گر وارد کرد.

در سال ۱۳۹۰ هجری خورشیدی مذاکرهٔ امریکا با طالبان و ایجاد دفتر نمایندگی سیاسی طالبان در دوحه مرکز قطر از سوی امریکا، تنش های امریکا و پاکستان، و تنش های مقطعی افغانستان با پاکستان و امریکا، از جمله موضوعات بحث برانگیز بوده است.

در حالی که جنگ در برخی ولایات و مناطق کشور ادامه دارد، نیروهای ائتلاف جهانی به منظور مبارزه علیه تروریسم حضور دارند، طالبان و گروه های مسلح مخالف دولت به ناامنی و بی ثبات ساختن سرزمین ما دست می یازند و در تلاش اند، سال هاست که مردم درد دیدهٔ کشورما چشم به راه صلح و آرامش اند تا روزنهٔ امیدی بروی شان باز و در رفاه بسر برند.

آرزومندی براین است تا سال آینده (۱۳۹۱)، سال تأمین امنیت، ختم جنگ، تحکیم صلح، و سال رفاه و آرامش برای شهروندان کشورما باشد.

وحید مژده

طالبان، تعلیق مذاکرات قطر و سیاست های مبهم امریکا

طالبان اعلام نمودند که مذاکرات قطر با امریکا را به حالت تعلیق در آورده اند. این اعلام پس از آن صورت می گیرد که به نظر می رسد امریکا تصمیم گرفته است تا پنج زندانی طالب را از گوانتانامو به قطر منتقل سازد اما این پروسه به دلایل نامعلوم به تعویق افتاد.

شرط عمده و اساسی طالبان، خروج کامل نیروهای خارجی از این کشور است و به همین دلیل امریکا مسئلهٔ پایگاه های دایمی در افغانستان را از معاهدهٔ استراتژیک با حکومت افغانستان مجزا ساخته است. همانگونه که رئیس جمهور کرزی تصریح نمود، توافق روی این مسئله یک سال بعد صورت خواهد گرفت. مشخص است که اگر امریکا این قرارداد را با حکومت افغانستان به امضاء برساند، دیگر دلیلی برای دوام مذاکرات قطر از جانب طالبان نخواهد بود.

امریکا که با زحمات زیاد سرانجام آدرسی برای طالبان به وجود آورده است و نمی خواهد چنین موقعیتی را از دست بدهد اما این مذاکرات هم نیاز به اعتماد سازی داشت. از اعلامیهٔ طالبان در مورد تعلیق مذاکرات قطر بر می آید که هنوز طالبان بر امریکا اعتماد لازم را برای شروع مذاکرات به دست نیاورده اند.

طالبان در این اعلامیه، جانب امریکا را به تخلف در وعده و متزلزل بودن در تصمیم متهم کرده اند. به نظر می رسد که منظور طالبان وعده ای باشد که در مورد آزادی پنج زندانی طالب از گوانتانامو داده شده بود. طالبان در این اعلامیه گفته اند که، جانب امریکا در مذاکرات وقت گذرانی می کند.

این اعلامیه مذاکره با کابل را مربوط به حل بعد خارجی مسئله می داند که عمدتا اصرار امادگی امریکا برای خروج کامل از افغانستان است. در این اعلامیه آمده است: «معضلهٔ افغانستان دو بعد دارد که یک بعد آن خارجی و بعد دیگر آن داخلی می باشد. بعد خارجی آن به امریکایی ها تعلق دارد و بعد داخلی آن مربوط افغانستان است. تا زمانی که بعد خارجی آن حل و انجام نگرفته که توان عملی نمودن آن فقط با خارجی ها است، داخل شدن در بعد داخلی آن بی معنا و ضیاع وقت است. به همین خاطر طالبان گفتگو با ادارهٔ کابل را بی فایده می دانند.

در این اعلامیه یکبار دیگر به دوام جنگ با نیروهای خارجی تاکید گردیده و در مورد حضور طویل المدت نیروهای امریکایی آمده است، آنها موجودیت عساکر خارجی در افغانستان را برای تمام منطقه خطر می دانند و برای یک لحظه نیز آنان را به صورت کنونی و یا به صورت موقتی و پایگاه های دایمی نمی توانند برداشت کنند. بار دیگر به تمام جهان و خصوصاً به کشورهای منطقه می رساند که برای ثبات و امنیت تمام منطقه، از آنها (طالبان) در مقابل زندان استعمارگران خارجی حمایت نمایند.

طالبان خواهان آزادی پنج نفر از یاران شان از گوانتانامو اند و گفته بودند که تیم مذاکره کنندهٔ آنان بدون آزادی پنج زندانی نامکمل است زیرا این پنج تن عضو هیأت طالبان اند که عبارتند از:

ملا خیرالله خیرخواه سابق وزیر داخله و والی هرات، نورالله نوری رئیس تنظیمیهٔ شمال و والی بلخ، ملا فضل محمد فاضل لوی درستیز و معاون وزیر دفاع، ملا عبدالحق (وثیق) معاون ریاست امنیت و عبدالنبی (عمری). شخص اخیر در دوران طالبان مقام مهمی نداشت و در زندان گوانتانامو در میان طالبان مطرح شد.

به نظر می رسد که امریکایی ها از مذاکرات در قطر این امید را دارند تا به طالبان امتیاز بدهند و از آنان امتیاز بگیرند. امریکا می داند که اگر طالبان با حضور طویل المدت امریکا در افغانستان راضی نشوند، پایگاه های این کشور در افغانستان جز درد سر طولانی مدت برای امریکا نتیجه ای نخواهد داشت. به خصوص که مسدود شدن راه های مواصلاتی از طریق پاکستان نیز مشکل را مضاعف ساخته است اما اینک طالبان یکبار دیگر با صراحت این خواست امریکا را رد کرده اند.

وباما می گوید که، باید به جنگ در افغانستان خاتمه داد. معنی این سخن برای کسانی که امید دارند امریکا تا آیندهٔ نامعلوم در افغانستان باقی بماند یک کابوس وحشتناک است. امریکا و انگلیس از همین اکنون، بیرون کردن وسایل نظامی خود از افغانستان را آغاز کرده اند. این وسایل شامل هزاران تانک و وسایط نقلیه نظامی است درحالی که فرماندهان نظامی افغان از کمبود چنین وسایل در نیروهای مسلح افغانستان نگران اند.

به نظر می رسد که هدف امریکا و متحدینش از بیرون کردن این وسایل از افغانستان، نگرانی از وضع این کشور بعد از خروج نیروهای خارجی است. آیا آنها انتظار ناامنی ها بعد از خروج نیروهای خارجی را دارند و به همین دلیل می خواهند این وسایل را از افغانستان خارج سازند تا در سلسله ای از جنگ های داخلی بعدی به کار گرفته نشود؟

گفته می شود که بخشی از این وسایل به همسایه های افغانستان در آسیای میانه داده خواهد شد تا از آن در تحکیم امنیت سرحدات خویش با افغانستان استفاده نمایند. این تصمیم به معنی آن نیست که امریکا و متحدینش از افغانستان نا امید اند و فقط به فکر جلوگیری از نفوذ ناامنی های بعد از خروج شان، از افغانستان به آسیای میانه اند؟ امریکا به نیروهای امنیتی افغان هم اعتماد ندارد و برای مردم امریکا سخت تعجب آور است، درحالی که بخشی از مالیه آنان صرف کمک به تجهیز نیروهای افغان شده است، می شنوند که سربازان افغان به سوی سربازان امریکایی آتش می گشایند و آنها را می کشند و یا وقتی طیارهٔ حامل وزیر دفاع امریکا در میدان هوایی هلمند به زمین می نشیند، یک افغان تلاش می کند تا با موتر خود را به طیارهٔ وی بکوبد و او را بکشد.

اموزش نیروهای نظامی نیز به دلیل ناامنی و عملکرد های نیروهای امریکایی که موجب بی اعتمادی در روابط میان نیروهای افغان و خارجی شده، به رکود مواجه گردیده است. به نظر می رسد که امریکا بیش از این توان تحمل این جنگ پر هزینه را ندارد و می خواهد هرچه زودتر به این مشکل خاتمه دهد. اشارهٔ رئیس جمهور کرزی بر اینکه «تحت خواب عاریتی تا نیم شب است» نگرانی وی را از همین مسئله نشان می دهد. کسانی که در طول ده سال گذشته به یمن حضور نیروهای خارجی به ثروت های کلان دست یافته اند، به انتقال این ثروت های باد آورده به خارج آغاز کرده اند. حجم این انتقالات به حدی نگران کننده بود که وزارت مالیهٔ افغانستان در مورد عکس العمل نشان داد و گفت که، جلو این کار را خواهد گرفت. با توجه به فسادی که در دستگاه حکومت افغانستان وجود دارد، ممانعت از این کار بعید است.

چنین شرایط می تواند موجب دلگرمی طالبان باشد که با گرم شدن هوا طبق معمول خود را برای جنگ های تازه در بهار آماده می سازند. هر جنگ وقتی به بن بست می رسد، مذاکرات صلح آغاز می شود و در این مرحله است که معمولاً دو طرف برای گرفتن امتیاز از جانب مقابل، جنگ را شدت می بخشند. طالبان با تعلیق مذاکرات قطر قصد دارند امریکا را تحت فشار قرار دهند. موقف امریکا هم در کابل و هم در قطر، نشان از بی سروسامانی های جدی در سیاست های این کشور در مورد افغانستان دارد و طالبان در تماس چند ماهه با امریکا، به این مسئله به خوبی پی برده اند.

وضع موجود هوشداری است به نیروهای سیاسی در داخل کشور که باید اختلافات خود را کنار بگذارند و تلاش نمایند تا روی یک طرح مشترک بین خود به تفاهم برسند. جنگ های چند دههٔ اخیر نشان داد که هیچ گروهی به تنهائی توان رهبری این کشور را ندارد و یگانه راه حل این بحران، رسیدن به یک طرح مشترک میان خود افغان ها برای آیندهٔ کشور است.

اگر طالبان هم به این باور باشند که بار دیگر دوران ۱۹۹۵ تکرار خواهد شد، سخت در اشتباه اند. مذاکره و تفاهم بین الافغانی و ایجاد شرایطی که همه اقوام افغانستان خود را در آیندهٔ افغانستان شریک بدانند و خواست های مشروع و معقول آنان در پروسه صلح شریک گردد، یگانه راه ممکن برای بیرون رفت از این مشکل است.

استاد عطا محمد نور از مذاکرات صلح...

شهروندان، مبارزین، تشنگان صلح و آن عده مجاهدین که ذریعهٔ قربانی های شان دستاوردهای ده سال گذشته به میان آمده، دست باهم داده و برای اعادهٔ وحدت ملی، آزادی های بشری و عدالت دست به کار شوند.»

استاد نور در حالی که صلح را نیاز مبرم مردم افغانستان خواند، از مذاکرات صلح در خفا ابراز نگرانی کرد و تأکید نمود که، تمام جناح ها باید در پروسهٔ صلح سهیم باشند. وی در قسمتی از سخنرانی اش به صلح پایدار که تامین کنندهٔ عدالت اجتماعی باشد، نیز تأکید کرده، گفت: «ما حامیان صلح هستیم، اما به این شرط که دستاوردهای ده سال گذشته و ارزش قانون اساسی حفظ شود.»

در این همایش، استاد عطامحمد نور والی بلخ به همه شهدای کشور که جان های شیرین شان را فدای دین، کشور، مردم، ارزش ها و افتخارات کرده اند، به قدردانی یاد کرد و به روان شان درود فرستاد، از دولت خواست تا عاملان ترور استاد برهان الدین ربانی شهید صلح و رهبر جهاد و مقاومت را ردیابی و افشاء و محاکمه نماید. همچنان استاد نور گفت: ما اصرارمی ورزیم تا به سلسلهٔ کشتارهای زنجیره ای که شمار سران طی آن تلف شدند، باید قاتلین آن به چنگال قانون سپرده شوند.

صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان، در همایش سالروز شهادت عبدالرحمن سید خیلی:

اگر پروندهٔ شهادت فرماندهان جهادی به جدیت دنبال می شد سرنخ بسیاری از دسیسه ها به دست می آمد

علمای محترم، فرماندهان قهرمان و بزرگواران جهاد و مقاومت، وکلای محترم پارلمان، مجاهدین محترم ، خواهران و برادران عزیز!

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

نخست از همه درود می فرستم به روان پاک شهدای عزیز جهاد و مقاومت، به ویژه شهید بزرگوار مولانا صاحب سید خیلی که زندگی اش را وقف خدمت به مردمش کرد و در نهایت جانش را در راه دین و مردمش از دست داد.

همچنان درود می فرستم به روان پاک پیشوای شهدای کشورعزیزمان، رهبر جهاد و مقاومت و صلح (استاد برهان الدین ربانی) و قهرمان ملی شهید احمد شاه مسعود و سایر شهدای جهاد و مقاومت که با قربان کردن جان های شیرین شان ثابت کردند که ایمان به خدا و عشق به مردم دلیل مبارزهٔ شان بوده است.

ملت های بزرگ، قدرتمند و ازاده به ساده گی شکل نگرفته اند. زنده گی این ملت ها وابسته به خون قربانیان آزادی خواهان است که به اهداف شناخته شدهٔ شان ایمان داشتند و در نهایت جان شان را در سبد اخلاص گذاشتند.

مجاهدان و مقاومت گران ما در افغانستان نیز، آزادی خواهانی بودند که برای عزت و سر بلندی و با ایمان به خدا به پا خاستند و تا پای جان مبارزه کردند و در نهایت یا در میان مان سربلند و ازاده به زندگی شان ادامه می دهند و یا سرخ رو به پیشگاه پروردگارشان شتافتند.

عده ی از دشمنان از سر عناد و کینه، و عده ی دیگر از سر نا آگاهی و کوته نگری هرگاهی که فرصت یافتند، خط جهاد و مقاومت و پیروان عزیز این خط را آماج تهمت های بزرگ و بی پایه قرار دادند، تهمت های که همیشه به هدف پنهان کردن چهره ی واقعی جهاد، مقاومت و جلوگیری از شناخت واقعی مجاهدین صورت می گرفت و هم اکنون هم صورت می گیرد.

نگاه به کاروان شهدای جهاد و مقاومت مردم افغانستان و مسیر شهادت این بزرگان، خود جواب صریحی است به این تهمت های مغرضانه و بی اساس.

ما می بینیم که در یک خط زمانی، چگونه عده ی از این بزرگان جان های شان را فدا می کنند و عده ی دیگر که هنوز به این کاروان نپیوسته اند، به مبارزهٔ شان ادامه می دهند.

حدود ۴۰ سال قبل استاد نیازی به شهادت می رسد، ۲۷ سال قبل ذبیح الله خان جام شهادت می نوشد، ده سال قبل قهرمان ملی شهید احمد شاه مسعود شهید می شود و حدود شش ماه قبل رهبر بزرگوار این شهدا، استاد شهید به شهادت می رسد و در این میان هزاران شهید دیگر ندای حق را لبیک می گویند و به این کاروان می پیوندند. این مردان بزرگ از طریق شهادت به والاترین هدف شان نایل می شوند و از این رو شهادت شان، برای پیروان شان قابل تحمل است.

همچنان چون خط و هدف این عده مشخص بوده و با خون شان ترسیم شده است، شهادت این مردان بزرگ پیروان شان را بیشتر کمک می کند و جرئت می دهد که این راه تداوم یابد.

عده ی به غلط فکر می کنند که با شهادت بزرگان ما، اهداف شان را به دست می آورند. غافل از اینکه شهادت این مردان بزرگ، خواست ها و اهداف شان را بیشتر نهادینه می کند و نسل نوی ما، پیام روشنتری را در یافت می کنند.

مولانای شهید از مجاهد مردانی بود که با خونش رسالتش را ثابت کرد، این شهید بزرگوار در هر عرصه ی که به کار آغاز کرد، خاطره و نام نیک از جهاد و مجاهد به یادگار گذاشت. از غیرت و ایستاده گی های این مرد در جبهات مقاومت، مردم شمالی داستان ها و خاطره های به یادماندنی دارند.

همچنان کافیست که وضع امنیتی ولایت کندز قبل از تعیین شدن این مجاهد در این ولایت و بعد از آن را به مقایسه گرفت.

وقتی شما به زنده گی شهدای بزرگوار جنرال داوود، مطلب بیگ خان، شاه جهان نوری، خان محمد خان، امیر زرین، وکیل حبیب الله و دیگر شهدای این اواخر توجه می کنید، در می یابید که هر کدام افتخاری برای مجاهدین و مردم افغانستان بوده اند.

حداقل چیزی را که شهادت این مردان روشن می کند این است که، شهیدان ما به اهداف شان صادق بودند. و زمانی که برای پیروان، راستی و صداقت گذشتگان شان ثابت می شود، بی تردید، تا پای جان مبارزه می کنند و این برای دشمنان که غلط اندیشیده اند، سخت تمام می شود.

از اینجا برای همه ای آنانی که فکر می کنند با بر افروخته نگهداشتن جنگ در کشورما و یا با به شهادت رساندن بزرگان ما می توانند به اهداف شوم شان نایل شوند، این پیام را می دهیم که شما کور خوانده اید و راه این رهروان مومن همیشه پر رهرو است و اینها همیشه به عنوان مانع در برابر اهداف شوم شما باقی خواهند ماند.

دشمنان صلح و ثبات افغانستان فکر می کنند که با تغییر سیاست جامعهٔ جهانی و یا با تغییر وضعیت حمایت جهانی از افغانستان به پیروزی می رسند. ما به اینها می گوییم که شما هیچ گاهی به پیروزی نمی رسید.

ما به دشمنان صلح و ثبات افغانستان می گوییم، حتی به فرض این که شما به باور خودتان پیروز شوید، پیروزی شما پیروزی نیست، چون به باور ما پیروزی ای یک مبارزه جز این نیست که ملتی به آرامش، سعادت و توسعه دست یابد و در رابطه به سرنوشتش آزادانه تصمیم بگیرد.

ما باور داریم که کوتاه ترین راه رسیدن به امنیت و آرامش، صلح است و از این رو صلح را بر هر گزینهٔ دیگر ترجیح می دهیم. ما از این رو این حرف را می گوییم که امنیت و آرامش این مردم از اهداف اساسی جهاد و مقاومت بود و از هر مسیری مشروعی که ما بتوانیم به این هدف برسیم تلاش می کنیم. اما معلوم است که ارزش های جهاد و مقاومت در راس هر مسئله ی برای ما قرار دارد. باید یاد آور شوم. ما از اینکه سازمان یافته و با برنامه حرکت کنیم، نیز غافل نیستیم.

در عصرما کار با برنامه و سازمان یافته، برای سازمان های سیاسی امر حتمی می باشد. **امروز سازمان ها و احزابی قدرتمند و پرتوان هستند که مجهز با دانش روز باشند و ساختار و عملکردشان با درنظرداشت ارزش های دینی و فرهنگی جامعهٔ شان تنظیم شده باشد.**

جمعیت اسلامی افغانستان، حزب مقتدری است که در ۵۰ سال اخیر افتخارات بزرگی آفریده و در راه خیر و سعادت مردم افغانستان قربانی های زیادی داده است. شخصیت های نامداری تقدیم این جمعه کرده است و همچنان با خط روشن به مبارزه اش ادامه داده است.

حزب ما با شهادت بنیانگذار و رهبر پرتوان و نامدارش، چالش سختی را در پیش رو دارد. اما ما امیدواریم که با استفاده از توانایی شخصیت های توانمندی که عضویت این حزب را دارند، مسیرمان را ادامه دهیم. حزبی که ۵۰ سال تاریخ دارد و چالش های بزرگی را پشت سر گذاشته است، از این چالش هم پیروز و سربلند بیرون می آید.

اولویت مهمی که برای ما مطرح است و ما همواره از رییس جمهور خواسته ایم که با جدیت باید دنبال شود، قضیهٔ تحقیق شهادت رهبر شهیدمان است.

باور ما این است که اگر پروندهٔ شهادت فرماندهان جهادی به جدیت دنبال می شد، سرنخ بسیاری از دسیسه ها به دست می امد.

اما متاسفانه تا حالا این توجه نبوده است. یکبار دیگر از دولت افغانستان درخواست می کنیم که قضیهٔ تحقیق شهادت استاد عالیقدر، جناب مولانا صاحب، جنرال صاحب داوود، مطلب بیگ خان و سایر فرماندهانی که در این اواخر شهید شده اند را جدا پیگیری کند.

همچنان به آگاهی شما می رسانم که **برگزاری مجمع عمومی از جمله کارهای مهم جمعیت اسلامی است و جلسات کمیسیون تدارک برگزای مجمع عمومی جمعیت اسلامی افغانستان به صورت عادی ادامه دارد و احتمالاً در اواخر بهار سال اینده مجمع عمومی جمعیت اسلامی در کابل دایر می گردد و به توکل خدا، عزت بیشتری در سطح ملی و بین المللی برای اعضای جمعیت اسلامی به دست می اید.**

این را نیز قابل تذکر می دانم که به گفتهٔ رهبر شهید مان، افغانستان نمی تواند تافته ی جدا بافته از تحولات منطقه و جهان باشد. تمام کشورهای منطقه تا حال بی خیال از تحولات افغانستان نبوده اند. ما همیشه طرفدار رابطهٔ نیک متقابل بر اساس منافع مشترک بوده ایم. همچنان ما رابطهٔ روشن و ایندهٔ معلوم افغانستان را با کشورهای دوست با اهمیت می دانیم. مردم افغانستان نگران اند که پس از ۲۰۱۴ چه واقع خواهد شد و رابطهٔ شفاف و روشن ما با جامعه ی جهانی از این نگرانی مردم می کاهد و باید در این زمینه دولت و جامعهٔ جهانی تلاش های لازم را به خرج دهند.

در آخر سخنانم را با این گفتهٔ رهبر شهیدمان، در محفلی که به یاد شهید سید خیلی به ابتکار قوماندان صاحب امان الله خان گذر گرفته شده بود، پایان می دهم که فرموده بودند.

خداوند شهدا را خودش انتخاب می کند
وقت شهادت شان را
جای شهادت شان را
و سبب شهادت شان را

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

پیام صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی به مناسبت سالروز قیام ۲۴ حوت ۱۳۵۷ مردم هرات باستان

مردم مسلمان، مجاهد و سرافراز هرات باستان

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] افغانستان پیشنهاد می کنیم که از این ظرفیت استفاده به عمل آید و توانایی های مردم این ولایت بزرگ در مسیر معقول استفاده شوند.

این را نیز به آگاهی شما می رسانم که [illegible] جمعیت اسلامی، اهمیت کار سازمانی را می دانند و تلاش ما متمرکز بر این است که منسجم تر و نظام مند تر از هر وقتی به کار ادامه دهیم. ما همچنان قضیهٔ شهادت رهبر پرافتخار مان را دنبال می کنیم و به نتایج به دست آمده قانع نیستیم و همواره درخواست ما از دولت افغانستان این بوده است که باید با جدیت این مسئله پیگیری شود.

برادران و خواهران مجاهد!

جمعیت اسلامی همانگونه که در هر موقع بحرانی برای نجات کشور بزرگترین فداکاری ها را انجام داده است، بعد از این نیز اراده و توانایی این را دارد و ما همیشه در خدمت دین و وطن [illegible] خواهیم ماند.

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!



نگاهی به پیدایش و پیشینهٔ نوروز

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

بخش نخست:

پس از هزاران سال، هنوز نوروز با همان شکوه و جلال خویش در کشورهای؛ چون: افغانستان، ایران، کشورهای آسیای میانه به ویژه تاجیکستان، ازبیکستان، هند و پاکستان، اروپا و آسیا تجلیل می گردد و نوروز از جانب سازمان علمی و فرهنگی جهان (یونسکو) نیز از زمرهٔ جشن های ملی این کشورها به رسمیت شناخته شده است.

یگانه جشنی که از میان ده ها جشنی فراموش شده، زنده مانده است، نوروز می باشد. علی الرغم یک سلسله تغییرات در بارهٔ آداب، رسوم و سنن این کشورها، هنوز این جشن به سکوی شهرت ایستاده است. از جملهٔ این جشن ها، مهرگان و سده است که پس از قرن ها، پس از ورود اسلام به سرزمین های اسلامی همچنان زنده است.

نوروز، از بزرگترین و قدیمی ترین جشن های آریایی است که بسیاری از مورخان و شاعران پیدایش آن را به دوره اساطیری و حکومت پیشدادی (جمشید) رسانده اند و این پادشاه پر آوازه را بنیان گذار این جشن دانسته اند، اما به نظر می رسد که این انتساب ساختهٔ کسانی باشد که خواسته اند محبوبیت جمشید را در فرهنگ اساطیری ما کمال بیشتر بخشند.

حکیم ابوالفردوسی در حماسه جاویدانهٔ خود شاهنامه، نوروز را یادگار این پادشاه پیشدادی و اساطیری می داند. به گفتهٔ او جمشید پس از آن که جای پدر (تهمورث) بر تخت می نشیند، موفق می شود دیو، مرغ و پری را به اطاعت خویش آورد و جهان را از آلوده گی و پلیدی پاک و پیراسته سازد. نرم کردن آهن، ساختن ابزارهای جنگی، کاخ های مهندسی، گرمابه، استخراج معادن، عطریات و تقسیم جامعه به طبقات چهارگانه (روحانیون، پیشه وران، دامداران، ارتشیان) از کارهای او است. او سپس تخت بزرگ و گوهر نشان و شکوهمند می سازد و بر آن می نشیند و از دیوان که در اطاعت او می بودند، می خواهد تا آن را بر دوش گیرند و از هامون به گردون برافرازند. شکوه و درخشش این تخت، مردم را به شگفتی و تحسین می گمارد، تا جایی که گوهرها نثار او می کنند و آن روز را جشن می گیرند و نوروز می نامند و از آن جا که این جشن در اولین روز از ماه فروردین اتفاق می افتد، همه ساله به یاد آن روز نوروز گرامی داشته می شود و تا امروز به یادگار می ماند.

جهان انجمن شد بر تخت او
شگفتی فرو مانده از بخت او
به جمشید بر گوهر افشاندند
مر آن روز را روز نو خواندند
سر سال نو هرمز فروردین
بر آورده از رنج روی زمین
بزرگان به شادی فرح از آن روزگار
بماند از آن خسروانی یادگار

ابوریحان البیرونی همین نقطه را با اندک تفاوت و آثار الباقیهٔ نقل می کند...... چون جمشید بر راه خود گردونه ساخت، در این روز بر آن سوار شد و جن و شیاطین، او را در هوا حمل می کردند و به یک روز از کوه دماوند به بابل آمد و مردم برای دیدن این امر، در شگفت شدند و این روز را جشن گرفتند. تاریخ بلعمی نیز این جشن را منسوب به جمشید دانسته، پیدایش و بقاء آن را تقارن آن روز با اولین روز دادگستری و مظالم نشستن جمشید می دانند. انتساب نوروز به جمشید، به ادبیات عرب نیز راه یافته است (قلقشندی) صاحب کتاب ارزشمند (صبح الاعشی) در بحثی به عنوانی "فی اعیاد الفرس" به اختصار در بارهٔ نوروز و بعضی از جشن های آریایی سخن گفته است و پیدایش نوروز به سبب کوشش جمشید در احیاء و بازسازی دینی می دانند که قبل از او دچار فساد و تباهی شده و اولین روز پادشاهی او را نوروز می نامند و متن این سخنان در عربی چنین است " وان سبب اتخاذهم لهذا الیوم عیداً، ان الدین کان قد فسد قبله، فلما ملک جدده و اظهره فسمی الیوم الذی ملک فیه "نوروز" الی یوم جدید.

با همه این اقوال و تعبیرات، روایات معتبری وجود دارد که نوروز پیش از جمشید نیز وجود داشته است و در این مقال فعلاً به آن کار نداریم و این کار ایجاب مطالعه جدید را می نماید. عمر خیام آغاز پادشاهی جمشید را در روز اول حمل ذکر نموده و او را آغازگری تاریخ معرفی می کند و در جای دیگر به صراحت بیان می دارد که نوروز آیین و رسوم آن از زمان کیومرث برقرار شده و این جشن یادگار آن پادشاه بزرگ است. ابوریحان البیرونی علاوه بر علل که در بارهٔ نوروز ذکر شده، در بارهٔ وقایعی که در این روز "نوروز" اتفاق افتاده، می نویسد...... و گفته اند خداوند نه فلک را در این روز آفرید و کیومرث در این روز به پادشاهی رسید و این روز جشن او است که به معنی عید او است.

به هر حال جشن نوروز در ابتدا به مناسبت پایان کار خلقت و آفرینش جهان برگزار می شده و رفته رفته راه به درون اسطوره ها می یابد و در هر دوره و عصر، به آن شاخ و برگ تازه رویانیده شده است. حوادث و رویداد های نیک و خجسته که در اعتقاد باستانیان باید در روزهای فرخنده اتفاق افتاده باشد، به این روز بار خوانی می شود. زمانی برپایی این جشن در آغاز ثابت و پایدار نبوده است و زمان این جشن در آغاز پنج روز بوده و از بیست و پنجم اسفند ماه "حوت" شروع می شده و تا اول فروردین ادامه داشته است.

در زمان ساسانی ها جشن های نوروز از اول فروردین آغاز می گردید و تا ششم فروردین ادامه می یافت. پادشاهان ساسانی در پنج روز نخست با طبقات مختلف مردم دیدار می کردند و روز ششم که نوروز بزرگ یا (خاصه) نام داشت جز اهل انس و اشخاصی را که سزاوار خلوت اند، نمی پذیرفتند و در این روز آنچه را در روز های گذشته طبقات مختلف مردم برای شاه هدیه آورده بودند، احضار می کنند و قسمتی را در نزدیکان و خواص می بخشند و آنچه قابل توزیع و بخشش نبود به خزانه می سپاریدند.

خجستگی نوروز باعث شده است که هر رویداد شیرین و هر خاطرهٔ دلپذیر دیرینه بدین روز باز خوانده شود و نوروز ارزش، عظمت و فر و فروغ بیشتر بیابد. آغاز پادشاهی جمشید و با بر تخت نشستن او یکی از حوادث بوده است که در این روز اتفاق افتاده و می توان گفت، این حادثه نیز همچون حوادث دیگر، بر عظمت نو روز افزوده است. با آمدن اسلام در خراسان اعیاد دیگری چون: عید قربان و فطر به این جشن ها افزوده شد، اما تاثیر جشن های خراسانی بر ادبیات عرب بی تاثیر نبوده است، طوری که مهرگان را به شکل مهرجان به کار برده اند و از آن مهرجان الالفی (جشن هزاره) گفته اند و شاعران عرب نوروز را به شکل نوروز و نیروز به کار برده اند. طوری که شاعر عرب می گوید:

و فدنیا النیروز فی غسق الدجی
اوائل ورد کن بالاس نوماً

نوروز در تاریکی های شب خبر داد که، فصل گل فرا رسیده است که دیروز در خواب بود. جشن سده و نوروز عظمت خود را بعد از اسلام در سرزمین های شرقی حفظ نموده است. عید که خود واژهٔ عربی است و بر تمام اعیاد عرب و اسلام به خصوص عید اضحی و فطر اتلاق می گردد. رودکی چنین می گوید:

یکبار بود عید به هر سال به یک بار
همواره مرا عید ز دیدار تو هموار

اهمیت نوروز و علاقهٔ خراسانیان به برپایی این جشن و تقارن آن با بعضی از رویدادهای تاریخی و تائید بعضی از آداب و رسوم پسندیدهٔ آن از سوی بزرگان دین و به تعبیر دیگر، رنگ و بوی دینی گرفتن آن در حیات و ماندگاری آن نقش داشته است.

به عقیدهٔ بسیاری در این روز کشتی نوح به نقطه یی از زمین به نام (جودی) استقرار یافت، در این روز بر پیامبر اسلام (ص) وحی نازل گردید، در این روز ابراهیم (ع) بت ها را شکستاند و در این روز پیامبر اسلام بت های کعبه را سرنگون کرد. یک چنین روایات در بعضی از کتب دینی مذاهب اسلامی وارد شده است، که به استقرار و جاودانی این جشن رغم بعضی از این کارها و مخالفت ها کمک نموده است.

علاوه بر چنین روایات دینی نقش هدایای نوروزی از زمان ساسانیان که مرسوم شده بود و همه ساله در جشن های شش روزهٔ نوروزی از سوی طبقات مختلف مردم به پادشاه تقدیم می گردید، در ماندگاری نوروز بی تاثیر نبوده است، طوری که این هدایا و پیشکش در میان امرای اسلام نیز مرسوم بوده و جز سرمایهٔ اسلامی محسوب گردیده است.

در زمان خلفای عباسی؛ به خصوص دوران حکومت هارون الرشید و مامون به سبب نفوذ وزیران و کارگزاران خراسانی در دستگاه و دربار عباسی، مراسم نوروزی شکوه و رونق بیشتر یافته است. در مراسمی که در دربار عباسی ها برگزار می گردید، از بزرگان عرب و عجم شرکت می ورزیدند و نامه های تهنیت و اشعار تبریک آمیز زیادی قرائت می شد، تنها اشعاری که به زبان عربی و به مناسبت عید نوروز و جشن مهرگان سروده شده، چندان بوده که خود موضوع کتاب با نام "الأشعار السائرة فی النیروز و المهرجان" قرار گرفته، و همزهٔ اصفهانی آن را جمع کرده است.

واپسین قطرهٔ باران سخن

عبدالقیوم ملکزاد

مرد برفینه سر کوچهٔ ما،
همرهٔ پیرزن خستهٔ خویش-
بود همشانه روان،
درخط جادهٔ طولانی درد...!
آن دو وقتی که سربحث به هم بکشودند
بازهم قصهٔ شان،
گونهٔ قصهٔ تکراری دی بود و پریر،
قصهٔ "استرس" و غربت و رنج...!

■

پیره زن، گاه سخن،
که باریدن اشک،
وقت افشاندن آه،
گفت با همسرخویش:
بودن اینجا دانی؟
برسرشاخچهٔ هستی ما،
برسر مزرع پژمردهٔ دل...!
به جز از صاعقهٔ غم نفزود،
گفت: آیا خبری؟
باز یک سال دگر رفت و بپیوست به پار
آری، یک پاشهٔ پاییزی
که فرو ریخت ز دیوارهٔ عمر گذرا
نه پسر سر بکشد بر در ما
نه به یاد من و تو دختر ما.
من و تو بسته در این دام و به پا زنجیر است
زندگی وه! چقدر خسته کن و دلگیراست.

■

قصه، آن روز چنان رفت در آغوش دوام
صبحگه چاشت شد و چاشت فرو بر در شام.
ناگهان گاه غروب
وقت باریدن باران سخن گشت پدید
دردی اندر دل بشکستهٔ مرد
آنچنان درد، که یکباره اش ازپای فگند.
مرد با درد حزین،
از پی دوختن دیده سوی آن زن پیر
گفت آهسته چنین:
به نظرمی آید،
هست این لحظهٔ تلخ،
آخرین لحظهٔ دیدار، میان من و تو...!

■

واپسین قطره باران سخن
که ز ابر لب او ریخت فرو،
ازپس نام خدا بود، فقط نام وطن.

د ترهګرو پر ضد: ولسونه هوښيار دي

خپاند

د افغانستان هوښيار او ويښ ولسونه د ترهګرو پر خلاف، ټول يوموټي دي او يووالی لري. ترهګرو په تيرو دوه وو لسيزوکې د افغانانو او بهرنيانو پر وړاندی ډير ناروا او له شرمه ډک کارونه کړي دي. په دی کی هيچ شک نشته چی بهرنيي هيوادونه او په تيره بيا زموږ ختيځ ګاونډي ملک د ترهګرو د روزنی او زموږ هيواد ته د ليږدلو پلان درلود او اوس يی هم لري. په دې کی هم هيڅ شک نشته چی د طالبانو د تحريک له پيل څخه ځينی خلکو او د هغه وخت اسلامی دولت په دی فکرکی وو چی طالبان د سولې لپاره کار کوی او يواځی د پاټکونو له منځه وړلو لپاره مبارزه کوی ...

په همغه وخت کی د لويو لارو په منځ کی مهم پاټکونه وو چی ډيری يی ديو مشهور اسلامی ګوند پوری مربوط وو او دلاريو څخه به يی باج اخيستلو. همدا رنګه ځينی مفسد قوماندانان چی په ناروا او اسلامی ضد کارونو باندی مشغول وو او خلک له هغوی څخه کرکه لری او د هيواد په ډيرو برخوکی د ګونډونو په نوم ملوک الطوايفی رواج درلود او... نوخلک او اسلامی دولت په دی فکر وو چی طالبان د سولې لپاره کار کوی او غواړی چی مفسد قوماندانان بی وسلی کړی او پاټکونه له منځه يوسی نو بايد له هغوی ته ملاتړ و کړو او هغوی سره مالی او دپيسو مرسته وشی... نو طالبانو د اسلامی دولت او د ځينو خلکو له خوايی ملاتړ ترلاسه کړ او کابل ته ورسيدل، کله چی د هغوی جنګ او جګړه اسلامی دولت سره پيل شوه نو اسلامی دولت او ټولو خلکوته پته ولګيده چی طالبان يواځی د مفسدينو او پاټک لرونکو سره مخالف ندی، بلکی نوری اجنداوې لري او بلآخره دهغوی اصل پلان او پروګرام جوت شو... چې د طالبانو اساسی کار زموږ په هيواد کی په لنډه توګه بيانو لاې شو:

۱- له علما وو سره دشمنی : د طالبانو تر ورسيتی ډلې له علما و سره دښمنی پيل کړه، د دوی په منځ کی يو مشهور عالم هم نه وو او اوس هم نشته! د هيواد ډير علماء دهغوی په لاس شهيدان شوی.

۲-مطلقه او نا روا حکومت: کله چی د طالبانو له خوا په کابل او د هيواد په اکثرو برخوکی اداره جوړه شوه، نو دوی به وويل چی اسلامی دولت لرو او وروسته بيا د

۵- د ښځو پر حقوقو باندی يرغل: د طالبانو په اداره کی د ښځو پر حقوقو باندی يرغل روان وو او دهغوی تحقيراو سپکاوی رواج در لود... طالبانو د ښځو په متعلق هغه کارونه کول کوم چی موږ ورته قبايلی رواج وايو اونه دينی اصول! موږ د ناروا آزادی پلويتوب نه کوو او د غربی مو دونو طرفدار هم نه يو. موږ هم اسلامی حکومت او اسلامی اداره غواړو نه قبايلی او ارتجاعی اداره! موږ غواړو چی د اسلام په هکله د اسلامی لړی د مشهور و منابعو څخه سبق واخلو نه د تور ذهنو افراد و څخه!

۴- خان وژنه او چاودنه: تر اوسه پوری په اسلامی دنياکی يوعالم نشته چی خان چاودنی ته يی اجازه ورکړی وي... يواځی ځوتنو عالمانو د فلسطينی مجاهدينو لپاره چی بل هيڅ امکان وجود و نلری. د خان چاودنی جواز ورکړی او بس. په افغانستان او پاکستان کی د مبارزی لپاره ډيری لاری شته دی او دبهرنيانو او د موجوده دولت پر خلاف ټول مخالفين کولای شی چی په پراخه پيمانه مبارزه وکړی.

د افغانستان په تاريخ کی موجوده سياسی فضا او آزادی او د وسايلو او امکاناتو پراخوالي و جود نه در لود. نن ټول خلک او دتيرو رژيمونو خلقيان او پرچميان هم پوره آزادی لری او هر څه چه و غواړی هغه ويلاشی او مبارزی او مخالف لپاره مختلفی لاری شته دی... نو خان چاودنی ته په عقلی لحاظ هم ضرورت نشته ... نن دطالبانو د اداری مهم اسلامی امارت نوم يی پری کيښود او په هيواد کی اصلاً حکومت او اداری تشکيل و جود نه درلود او په کوچنی کاغذونو کی اوامر صادريدل! ديو ولايت نه بل ولايت ته د واليانو او د ولسوالانو تبديلی په يوه کوچينی ورقه کی رواج درلود او د مکتوبونو صدور او ورود په بشپړه توګه رائج نه وو!

۳- همدارنګه په بهرکی د هغوی سفارتونو شتون نه درلود او يواځی په دری هيوادونوکی دهغوی سفارتو نه و او بس! نور په ټوله دنياکی د شهيد پوهاند ربانی د حکومت سفارتونو شتون در لود.

۴- د آزادی نشتوالی: د طالبانو په اداره کی د شهيد استاد ربانی د وخت ټولی آزادی بندی شوی، د تيلويزيون نشرات قطعاً بند وو او مطبوعاتو د آزادی تصور هم وجود نه در لود. په او اخروکی يواځی د شريعت په نوم راډيو او يوه نشريه هم وه...

غړی په هيواد کی شته دی، ځينی د سولی په عالی شوراکی او ځينی په پارلمان کی او ځينی يواځی د افرادو په شکل په هيواد کی او سيږی...

نو په چاودنوکی چی اکثراً بی غرض او بی ګناه کسان وژل کيږی او د انسانيت او اسلاميت پر ضد يو عمل دی په دنيا کی د داسی عملياتو لپاره قطعاًيو پلوی هم نشته... نو داکارونه ټول د بشر ضد فعاليتونه دي او هغه کسان چی د دين په نامه دا ناروا او غلط کارونه کوی، هغوی د اسلام او د سپڅلی دين دښمنان هم دی او د دوی ضررنې اسلام او مسلمانانوته ی کافرانو څخه هم زيات دي...

په جوماتونوکی چاودنه او د علما و او تکړه مجاهدينو وژل چی د روسانو له خوا هم ممکن نه وو. او س دطالبانو د تحريک له خوا تر سره کيږي... داهغه جنايتونه وو چی د روسانو له خوا نه هم نه و وتر سره شوی... په تيرو ورځوکی د استانبول په کنفرانس کی د دنيا له اسلامی علما و له خوا متفقه فتوا صادره شوی چي خان وژنه او چاودنی يی حرام ګرځولی دي...

اوس د افغانستان خلک چی د طالبانو له اداری نه ډيری ترخی تجربی لری، په هيڅ شکل سره دی راضی ندی چی هغوی بيا واک ته و رسيږی او ټول ولسونه دهغوی په مقابل کی هوښيار او ويښ دي.

د افغانستان اسلامی جمهوريت د يوشرعی او قانونی دولت په حيث دا قوت او زور نلری چی د طاليانو او د هغوی د بادارنو مخه و نيسی او زموږ د خلکو د پت او عزت نه دفاع و کړی.

د افغانستان ملی اردو او ملی پوليس پوره توان او قوت لری چی د ترهګرو د فعاليتونو مخه ونيسی او پلانونو يی شنډ کړی په تيرو کلونوکی ځوځله په مرکز او ولايتونوکی د طالبانو د تروريستی ډلو له خوا ترهګريز عمليات و شول او زموږ ملی پوليس او کله د اردو له خوا د هغوی ټول پلانونه له خاورو سره برابر شوی... زموږ خلک نه غواړی چی يوځل بيا د شرقی ګاونډی د اردو قطعات په افغانی لباس کی د طالبانو په نوم و ځليږي.

او س د افغانستان اسلامی جمهوريت ملی اردو، ملی پوليس، د افغانستان اتل مجاهدين او د حکومت اپوزيسون، ټول د افغانستان د پت او عزت د ساتلو لپاره سره يو موتی دی، همدارنګه د ولسمشر له خوا ډاډ و رکړ شوی چی د پاکستان حکومت هم د طالبانو مرسته نه کوی او دنړی ډير هيوادونو له موږ سره دی او د ترهګرو پلوی نه کوی نو دا يو لوي قوت دی او خلک او دولت او اپوزيسون ټول سره متحد دی او زموږ ولس بايد ډاډمن واو سيی چی د طاليانو د بيا واکمنی لپاره د ۲۰۱۴ ته وروسته هم هيڅ امکان نشته او هغوی ورځ په ورځ کمزوری کيږي...

دو سرودهٔ بهاری از عبدالاحد تارشی

میر کاروان بهار

برای جرعهٔ آبی ز آسمان بهار
نشسته دل چو غباری در آستان بهار
پرندهٔ دل ما را نمانده بال و پری
که خویش را برساند به آشیان بهار
چنین که گشته شب و روز ما خزان آلود
که ره دهد من و دل را به بوستان بهار
خود ارچه مانده زپا درکویر پائیزیم
سرشک ماست مگر میرکاروان بهار
مگرگذشته زگلزار درگرفتهٔ ما
که آتش ازگل سرخ است جسم وجان بهار
برآن همیشه درآتش همیشه تشنه چمن
نریخت قطرهٔ آبی زناودان بهار
دمی ز نوحه فراغت نیافت مرغانش
که شادمانه شود مست ونغمه خوان بهار
کنار گلبن بیگانه گریهٔ خونبار
برای ماست همین گل داستان بهار
نه آرزوی شکفتن نه شوق سبزشدن
چه نسبتی دل ما راست با جهان بهار
زبس نشسته به خون چشم ما رسد به نظر
درخت تیر برون گشته ازکمان بهار
به دشت زندگی ما مجو نمی یابی
ظهور سبزه حضور گل ونشان بهار
که صبح وشام و مه وسال آن برای همیش
فتاده از نظر سبز وگل فشان بهار
چه صبح وشام تهی گشته ازمه وخورشید!
چه ماه وسال عقب مانده از زمان بهار

سحر سبز بهار

چه سحر سبز به دنیا دمیده است بهار
که هرکجا نگری باغ چیده است بهار
زاشک آن همه جا رود سبزه گشته روان
زچشم بخت کی یارب چکیده است بهار
غرور حسن شده هرگیاه آن ،شاید
ترا در آینهٔ خویش دیده است بهار
به بال عطر وپررنگ در قلمرو جان
به جست وجوی تو هرسو پریده است بهار
مگرنشانه یی ازرنگ وبوی تو یابد
به هرچمن چو من ای گل دویده است بهار
فتاده دل سر دل در هوای خوشبویش
مگر به ساحت زلفت وزیده است بهار
حریری ازنفس مشک بیز توست نسیم
که گرد قامتش آرا تنیده است بهار
به این گمان که زما می رمی هنوز ای دوست
به پاس خاطرت ازما رمیده است بهار
ازآنچه در صفت تو سروده خامهٔ عشق
یکی گزیده غزل یک نشیده است بهار

تاریخ نباید تکرار شود!

پوهنمل محمد نسیم فقیری

آیا تاریخ تکرار می شود یانه؟ موضوع بحث ما نیست و آنچه که ما دغدغه و تشویش داریم، در مورد کشورما و فرزندان امروز و آیندهٔ آن است. بعضی ها ناخوش اند و خرده می گیرند که چرا افرادی مانند این نگارنده، همیشه به گذشته ها و تاریخ تلخ و ناگوار رژیم های سابق، می چسپند و آن را تکرار می کنند؟ این تاریخ گذشته است... امروز اتحاد شوروی وجود ندارد... امروز گروه های خلق و پرچم با آن افکار و اندیشه های سابق، موجودیت ندارند... امروز کمونیسم و مارکسیسم لنینسم مرده است و هرگز خریدار ندارد و...

<u>درست است که ما به یادها و خاطره های گذشته بسیار علاقه مند نیستم و نمی خواهیم با جدیت و یا بر ضد دشمنان قدیمی خویش پافشاری نماییم و آنان را خواسته و یا ناخواسته به سنگرهای قبلی شان بازگردانیم و...</u>

اما حرف های جدی و تقاضاهای جدی داریم و این همان دغدغه و تشویش در مورد امروز و فردای کشورما است!

درست است که ما ضد نداریم و اختلاف و جنگ های قدیمی را نمی خواهیم تکرار شود و آتش و فتنهٔ خوابیده را نباید بیدار کنیم و... اما تاریخ کشور و حافظهٔ زمان نمی تواند فراموش کند که:

۱– پس از کودتای خونین ثور و حتی در زمان دیکتاتوری داوود خان، گروه های پرچم و خلق به جان مردم ما و نهضت اسلامی افتاده بودند و دست به اعدام و کشتار و زندانی ساختن افراد آگاه، بیدار و مومن و معتقد به ارزش های اسلامی، زدند!

۲– پس از کودتای ننگین ثور، همه قدرت سیاسی را فقط میان دو گروه خلق و پرچم تقسیم کردند و هرچه از مخالفین سیاسی را یافتند و به دست شان آمد، همه را زنده به گور و یا زندانی ساختند!

۳– اکثر دستگیر شدگان از اعضای نهضت اسلامی و بعضی از افراد متعلق به نظام های قبلی و یا افراد بی طرف بود و اکثر این زندانیان بدون محاکمه و در ضدیت با همه حقوق انسانی و حقوق بشر توسط والی ها، ولسوال ها و افراد خلقی به شهادت رسانیده شدند که تا امروز از ده هزار شهید در زمان رژیم خلقی، اثری دیده نمی شود و جنازه ها به خانواده ها تحویل داده نشده و قبر آنان پیدا نیست!

۴– کجاست قبر داوود خان و وزرای نزدیک او، کجاست قبر و آرامگاه هزاران شهید نهضت اسلامی، افسران، علما و استادان و جوانان و...؟

۵– این همه ظلم و ستم و کشتار بی نظیر در حق مردم ما صورت گرفت و حتی ده ها هزار نفر از کمونیست ها و مخالفین نظام، نیز به قتل رسیدند و تاکنون هیچ سوال و پرسشی صورت نگرفت؟

۶– درست است که عفو عمومی را رهبران جهادی اعلان کردند و پس از پیروزی جهاد کسی از اعضای رژیم های سابق کمونیستی دستگیر و محاکمه نشد... در مورد عفو عمومی رهبران جهاد، باید علمای دینی فیصله نمایند یاکرده باشند که آیا اعلان عفو عمومی درست بود یانه؟

اما آنچه که امروز و فردا به آن نیازمند هستیم و سرنوشت فرزندان ما به آن ارتباط دارد، سوال دوباره به میدان آمدن کمونیست ها و بخصوص گروه های خلق و پرچم است!

این گروه پس از پیروزی جهاد و بعد از تسلط طالبان بر کابل، کشور را به مقصد غرب از راه پاکستان و بعضاً هند، ترک گفتند و بعد در امریکا و اروپا پناه گزیدند و همه اقامت یافتند... کسانی که سال ها مرگ بر امپریالسم غرب می گفتند و در دوران حاکمیت خود ، مرگ بر امریکا شعار شان بود، اکثر این افراد به امریکا و اروپا و استرالیا شتافتند و حکومت های آن دیار، این دشمنان به اصطلاح سابق و دوستان جدید را با آغوش باز و گرم پذیرفتند و هم دارای پاسپورت های آن کشور ها شدند... پس از روی کار آمدن نظام نو در افغانستان در طی ده سال گذشته، تعدادی از این افراد و بخصوص افراد شناخته شدهٔ آن ها به سوی کشور آمدند و هم اکنون در بخش های مهم، مشغول کار اند... جای تأسف است که تعدادی از این افراد در وزارت های معارف و تحصیلات عالی به کار های مهم اشتغال دارند و حتی در تدوین تاریخ افغانستان دست دارند و نمی گذارند که تاریخ درست و واقعی کشور تدوین شود و تلاش می کنند تا دروغ های تاریخی و تکراری خود را تحمیل نمایند... مامورین و استادان افغان با معاش بسیار کم خدمت می نمایند ولی این ها با زور پاسپورت های امریکایی، کانادایی، اروپایی و استرالیایی با معاش بسیار زیاد و با فخر فروشی کار می کنند و حتی درجات تحصیلی شان نیز به مراتب پائین تر از دیگران است!

خطر بزرگ برای کشور و جوانان و فرزندان ما، حضور این افراد در سطح تحصیلات است که نباید تاریخ تکرار شود و این ها دوباره زمام امور تحصیلی را به دست بگیرند و اذهان نو جوانان کشور را به سوی انحراف بکشانند خطر بسیار بزرگ متوجه کشور و فرزندان ما است که دوباره نظام های کفری و استبدادی در کشور حاکم نگردد و بازهم تاریخ تکرار شود!

درست است که ما طرفدار صلح و آشتی هستیم و نمی خواهیم که دشمنان مردم ما تحت تعقیب قرار گیرند و یا دستگیر و محاکمه شوند اما **<u>روی آوردن افراد ملحد و ضد حقوق بشر در معارف و تحصیلات عالی و سایر ادارات یک خطر بزرگ و جدی است و کاری نشود که تاریخ تکرار گردد و نسل های فردا بر ما لعنت بگویند</u>** که چرا با گذشت زمان و امتحان بسیار تلخ و ننگین از این عناصر، دوباره به آن ها راه دادید و زمام کشور را به آن ها سپردید؟!

زده کړه دهر چا حق دی خو ځانته خوښتني لري

ناصر شفیق

د علم زده کړه په یوه ټولنه کې د هر وګړي له بنیاد دي حقونو څخه ده اوله همدی امله تر یوې خانګړي مستوی پورې د ټولني هر وګړي ته د زده کړو زمینه برابرول د دولت له هغو مسؤولیتونو څخه دي چې دخپلو اتباعو په وړاندې یې لري.

د افغانستان په اساسي قانون کې هم تر لیسانس درجې پورې په وړیاتوګه د زده کړو زمینې برابرول پر دولت لازم دي او پدې لړکې تر اتم ټولګي(منځنیو زده کړو) پورې په اجباري توګه د آغیزمنو پروګرامونو طرح او پلي کول د دولت مکلفیت ګرځولی شوی دی، لکه چې په دري څلویښتمه ماده کې، په دوهم فصل کې یادونه شویده. خو داچې د هیواد دولتي مؤسسې نشي کولای چې د ټولو افغانانو لپاره د زده کړو زمینې برابرې کړي نو په همدې منظور په خصوصي سکتورکې د تعلیمي ادارو لپاره اجازه ورکړای شوې چې د تعلیمي مقرراتو سره سم د زده کړو زمینې برابرې کړي.

مګر یو بنیادي اصل چې په خصوصي سکتور کې رامنځته شوي تعلیمي اداري او هم دولتي تعلیمي اداري یې باید په پام کې و نیسي، هغه د تعلیمي معیارونو او پرنسیپونو په نظرکې ساتل دي چې رعایت یې دهر افغان ملي وجیبه او اخلاقي رسالت دی، یعنې لکه چې دولتي اداري پدې هکله مسؤولیت لري چې د زده کوونکو د منلو له پروسې تیولی د روزنې او ښوونې په ټولو پړاوونو کې باید د زده کوونکو سویه او ذهني وړتیا په نظرکې ونیول شي او د تعلیمي ادارو څخه د فارغولو په لړکې یې د کمیت ترڅنګه کیفیت هم له پامه ونه غورځوي او یوازې د زده کوونکو غوښتنې په نظرکې و نه نیولې شي بلکې د هیواد سترې ګټې او د ټولنې اړتیاوې هم په نظرکې و ساتلی شي او ازموینو لپاره د زده کوونکي او محصلان دې ته اړکړای شي چې په ریښتوني معنا زده کړې لاسته راوړي او خانونه له اړوندو تعلیمي ادارو څخه فارغ او دهیواد والو د خدمت جوګه کړي او د زده کړوله لپاري هغه وړتیاوې په خپلو ځانونو کې پیداکړي چې دیوې تعلیمي اداري څخه فارغیدونکي یې باید ولري.

په همدې توګه خصوصي مؤسسې هم باید خپله دنده یوه داسې دنده وګڼي چې پکې بې غوري اوله تساهل څخه کار اخستل د ټول ولس سره د خیانت مترادف وګڼي، د زده کوونکو او محصلانو په منلو او د ښوونې او روزنې په ټولو پړاوونو کې د هغوی لیاقت، سویه او زیار ګالل د ارتقاء لپاره یواځینی معیار و پیژني او لازمې پوهنې او وړتیا لاسته راوړلو پرته هغوی ته ارتقاء و رنکړي او د زیاتو فیسونو د لاسته راوړلو په هیله پدې لړکې د نا مطلوبه او ناروا تساهل مرتکب نشي چې پرته له لیاقته او ریښتونو زده کړو له خپلو تعلیمي ادارو څخه خوان کول فارغ کړي او پدې توګه هم د زده کوونکو سره دهغوی په بیځایه مغرور ګرځولوکې جنایت وګڼي او هم له ټولنې سره چې داسې خلکوته یې شهادتنامې په لاس ورکړي او سې چې د ټولنې د خدمت وړتیا په خپلو رشتو او ډګرونوکې نلري. چې پدې لړکې د لوړو زده کړو او پوهنې وزارتونه هم هر یو په خپل وار سره د څارنې او تیغ په تیغه کنترول له لپاري یو رسالت په غاړه لري چې د شخصي روابطو او چالوکیو په مټ ورڅخه هغه خلک تعلیمي اداري خلاصې نکړي چې پخپله مطلوبه وړتیا او پوهه نلري، او دعربی د ضرب المثل مخې چې (فاقد الشی لایعطی) که یو څوک چې پخپله یو علم، وړتیا او مهارت و نلري. بل ته به یې څنګه و رکړي؟

همدارنګه پدې لړکې د هر مور او پلار او د خوان کول د اولیاوو دنده ده چې د زده کړو لاسته راوړل که خپلو اولادونو حق ګڼي نو چې د زده کړې غوښتنې او مقتضیات پوره کول هم د خپلو اولادونو دنده او مسؤولیت وګڼي. او لومړي دا فکر و کړي چې آیا بچی یا لور یې دومره ذهني پیاوړتیا او ظرفیت لري چې ورته لیږونکی تعلیمي اداره (پوهنځی او دیپارتمنت، یا ښوونځی) یې ورڅخه غوښتنه کوي، دا صحیح ده چې هر انسان غواړي چې خوې یا لوربې استاد ،ډاکټر، انجنیر او... جوړشي خو آیا پدغو رشتوکې زده کړه چې څومره ذهن او زیار غواړي دده خوې یا لوربې له عهدې وتلی شي او که نه؟ نو باید چې د خپل خوې او لور لپاره دهماغې رشتې او درسي مسؤولیتی انتخاب و کړي د څومره چې توان لري او یوازې دپیسو په لرلو سره داحق خانته ورنکړي چې کومه رشته او ښونځی دی غواړي، هغې ته خپل اولاد خامخا ولیږي او بیا یې د زده کړې او تحصیل په دوران کې خپلو اولادونوته داسې دروندپیتی ور په شا کړی اوسي چې دوړلو توان یې نلري.

همدارنګه پدې ډګرکې دهغو خلکو له ټولو ستره دنده او رسالت په غاړه دی چې د ښوونې او روزنې په ډګرکې بوخت او استادان دي چې یوازې د فیسونو په ورکولوسره بریالیتوب د زده کوونکو او محصلانو حق و نه ګڼي چې ډیر خلې دغه استادان او ښوونکي و رسره مخ کیږي او د استونزه په خانګړي توګه د لوړو زده کړو په خصوصي اداروکې ډیره رامنځته کیږي چې کله هم یو محصل مطلوبه زده کړه ونکړي او خپلو درسونو ته د اړتیا سره سم وخت ورنکړي او یایې ذهن دومره ظرفیت و نلري چې انتخاب کړی پوهنځی ولولي نو د ناکامۍ پر مهال همدا بهانه او عذر نیسي چرې که استاده له تا سره کامیاب نشم نو دري مضمونونوکي پاتې کیږم او بیا د چانس د آزموینې حق نلرم او ډیر په سخته مې ددې سمستر فیس پوره کړی دی. نو پدغه ځای کې استادان دلوې امتحان سره مخ وي چې آیا دغه ملي او دیني امانت چې یو سمستر ته ارتقاء او یا ټولګي ته ارتقاء او د هیواد دقوانینوله مخې له استاد سره دی دغه زده کوونکي یا محصل ته ورکړي او که نه تر هغه یې ورڅخه وسپموی تر څو د دې امانت د اخستلو وړتیا او ظرفیت په ځان کې پیداکړي؟! نو جوته ده چې دولس او دین په امانت کې خیانت کول عادي خبره نده نو باید چې په تعلیمي پروسوکې بوخت انسانان دغه ترحم یا تساهل عادي و نه ګڼي او داسې فرض کړي چې ګویا په لوی لاس یو ناپوه طبیب، نالایقه استاد، جاهل انجنیر او... د خپلې کورنۍ او ټولنې لپاره ګماري، ځکه که دغه زده کوونکی او محصل دلیاقت او وړتیا نه لرلوسره سره داستاد په بیځایه ترحم او تساهل شهادتنامه لاسته راوړي نو دهغه په راتلونکو ټولو کړنو کې دغه استاد، د هغه کورنۍ او دولت او تعلیمي اداره ټول شریک دي. نو ځکه باید هر څوک دا درک کړي چې که زده کړه دهر چا حق دی نو زده کړه ځانته غوښتنې هم لري چې باید پوره کړای شي.

نباید از کنار حادثهٔ پنجوایی بی تفاوت گذشت!

ادامه از صفحه اول

افراد بیگناه ولسوالی پنجوایی در حال حاضر به زندانی بیرون افغانستان منتقل شده است.

ولسی جرگهٔ افغانستان به اتفاق آراء در اعلامیهٔ خود گفته اند که، وقتی جرم در قلمروی صورت می گیرد و متضررین آن شهروندان همان کشور است، باید مجرم مطابق قوانین موجوده به طور علنی در دادگاه های افغانستان محاکمه گردد.

اما پنتاگون وزارت دفاع امریکا گفته است، مفاد توافقنامهٔ سال ۲۰۰۳ بین دولت افغانستان و نیروهای خارجی اجازه نمی دهد تا سرباز امریکایی که مرتکب جنایت شده است مطابق به قوانین کشور دومی محاکمه شود. در حالیکه نمایندگان مردم گفته اند، این گونه توافقات را به اتفاق آرا در ماه عقرب سال جاری ولسی جرگه افغانستان رد کرده است. اما وزیر دفاع امریکا می گوید، محاکمهٔ سربازان امریکایی هنگام ارتکاب جرم در سراسر دنیا مطابق قوانین امریکا محاکمه صورت می گیرد.

مشرانو جرگهٔ افغانستان نیز حادثهٔ پنجوایی را با شدیدترین الفاظ محکوم نموده و گفته اند در صورت ادامهٔ این گونه رفتار ها مجبور می شوند، دست به سلاح برده در کنار مردم قرارگیرند. مجلس اعیان به رسم اعتراض برای چند ساعت جلسه عمومی را برهم زده در هوائی سرد صدای خود را بلند نمودند. مشرانو جرگه از تمام شورا های ولایتی افغانستان نیز خواسته اند که دروازه های شان را ببندند و صدای خود را در اعتراض به این موضوع بلند نمایند.

شورای سراسری علمای افغانستان حمله وحشیانهٔ منسوب ارتش امریکا را به جان کودکان معصوم و بی دفاع افغانستان محکوم نموده خواهان تحقیقات و پیگری جدی قضیه از سوی نهاد های ملی و بین المللی و محاکمهٔ علنی عامل این رویداد غمبار شدند.

یک سخنگوی گروه طالبان نیز تأکید کرده است که انتقام خون کشته شدگان پنجوایی را از امریکایی ها خواهند گرفت.



لیون پنیتا وزیر دفاع امریکا برای دلجویی مردم و مقامات کشور به افغانستان آمده است. لیون پنیتا گفته است که حادثهٔ پنجوایی نباید عزم ما را برای مبارزهٔ مشترک بر ضد تروریزم به انحراف ببرد.

در همین حال در ادعاهای ابتدایی که از سوی امریکایی ها صورت گرفته است گفته شده است که سرباز که دست به چنین اعمال وحشیانه زده از حالت روانی خوبی برخوردار نبود است. اما مقامات محلی و شاهدان عینی گفته اند که این اقدام صرف به هدف انتقام گیری از مردم افغانستان صورت گرفته است. مردم می گویند که جنایت کاران امریکایی به طور دسته جمعی دست به کشتار اطفال معصوم زده و پس از آن اجساد را نیز در تاریکی شب آتش زده اند.اما در نوار ویدئوی که از سوی امریکایی ها به مقامات نظامی کشور نشان داده شده است گفته شده است که در حادثه کشتار تنها یک سرباز دست داشته است.

از سوی دیگر آنگونه که تجربه نشان داده است در اکثر مواردی این چنینی، طالبان اند که به نفع خود کمپاین تبلیغاتی نموده افکار عمومی را از دهشت آفرینی خود شان به انحراف می کشانند. چنانی که از موضوع حادثه بگرام نیز طالبان به نفع خود تبلیغات گسترده نموده و کشته شدن چند امریکایی را که توسط نیروهای داخلی در مقر وزارت داخه، و میدان هوائی جلال آباد رخداد، در پیوند به موضوع قرآن سوزی نسبت داده، بدین گونه بهره برداری های رسانه یی و سیاسی نمودند.

گذشته از این که این رخداد در ذات خود خیلی وحشیانه بود، تمام ادعاهای امریکایی ها را که حرف از تأمین حقوق بشر می زنند، غلط ثابت نمود. هر چند مقامات امریکایی گفته اند رفتار یک سرباز نمایندگی از هویت امریکای نمی کند، اما تجربه نشان داده است که امریکایی ها برخلاف آنچه که برای تأمین منافع شان در سراسر دنیا شعار می دهند عمل می نمایند.

حالا که حادثهٔ پنجوایی رخ داده است گمان می رود که روابط افغانستان با امریکا در حال بدتر شدن است و خیلی از موضوعاتی را که در آیندهٔ نزدیک بالای آن تمرکز صورت می گرفت، از سر میزها به دور انداخته است. بدون شک در حال حاضر از یک طرف مردم افغاسنتان قهر و خشمگین اند و ازسوی دیگر آنگونه که مقامات دولتی و کارشناسان مسایل سیاسی اظهار نظر نموده اند، حادثهٔ پنجوایی چیزی نیست که به سادگی از کنار آن عبور نمود.

اختلاف نظر در همچو مواردی در حالی افزایش یافته است که سربازان امریکایی در موارد قصداً بی اعتنای خود را در روابط با افغانستان افزایش داده است. در صورتی که امریکا در روابط با افغانستان بی مسؤولیت برخورد کند، فرضیهٔ تهی بودن ادعاهای مبارزهٔ مشترک را بر ضد تروریزم بین المللی به اثبات می رساند.

زورگویی های امریکا در کشور های چون افغانستان موضوعیست که خیلی از دشواری ها را در روابط دو جانبه به بارآورده است. کشتار غیر نظامیان توسط ارتش امریکا سبب شده است که روابط کشور، با متحدان غربی از جمله امریکا دچار تنش شود. به دنبال حادثهٔ قرآن سوزی در بگرام این تنش ها به اوج رسید، اما گمان می رفت که حساسیت ها آهسته آهسته کاهش یابد و روابط افغانستان با امریکا روال عادی بخود بگیرد.

از سوی دیگر نیروهای غربی مستقر در افغانستان از چندی بدین سو، گاه گاهی توسط نیروهای پولیس و ارتش افغانستان به قتل می رسند، روند که نوعی فضای بی اعتمادی را در میان متحدان جنگ با تروریزم با گذشت هر روز افزایش داده است. در گزارشی که چندی پیش از سوی یک نهاد تحقیقاتی به نشر رسید، گفته شده است که دست کم ۸۰ سرباز نیروهای خارجی مستقر در افغانستان طی سال گذشته میلادی توسط همتایان افغانستانی شان هنگام انجام وظیفهٔ مشترک به قتل رسیده اند.

بحران بی اعتمادی میان نیروهای افغانستان و متحدان غربی در حالی رو به افزایش است که افغانستان می خواهد با کشورهای غربی از جمله امریکا پیمان راهبردی به امضا برساند.

دولت افغانستان بر سر این پیمان شرایطی دارد که برخی آنان تا هنوز از جانب امریکا پذیرفته نشده است. مسئلهٔ عملیات های شبانه که هنوز بحث ها برسر آن ادامه دارد، از مواردی اند که هر دو طرف بر سر دیدگاه های خود ارجحیت داده به نتایج نهائی دست نیافته اند.

حالاکه این گونه رفتارها گاه گاهی از هر دو طرف صورت می گیرد و افغانستان به عنوان کشور نیازمند بیشترین آسیب را متحمل می شود راه چاره در چیست؟ کارشناسان می گویند، تقویت نیروهای داخلی، تأمین امنیت سراسری، دفاع مستقلانه در برابر تهدیدات دشمن راه هایست که حفاظت جان شهروندان داخلی را ضمانت می نماید. دیدگاه های که در حال حاضر با توجه به ضعف های داخلی و تهدیدات بیرونی محال به نظر می رسد.

×

سال نو با امیدهای کهنه

تکساری

هر سال در افغانستان آرزوهای کهنه آغاز می شود، امیدهای مردم ما هیچگاه کهنگی نداشته است. انسان در اساس و بنیاد با بهانه های چندی زندگی می کنند، تحمل زمستان به هدف رسیدن به بهار رنج زمستان را کاهش می بخشد. آرمان های رسیدن به مدارج بلند، رنج درس مدرسه، مکتب و دانشگاه ها را برای دانشجویان دلپذیر می سازد. امید های مادران از اطفال شان به خاطر بزرگ نمودن آنها از رنج های آنها می کاهد. مرگ در حقیقت پایان یافتن امید ها برای زندگی و بهتر زیستن است، هر وقتی که بهانه یی زندگی برای انسان ها پایان یابد، زندگی به فرجام می رسد؛ اما سال جدیدی که در پیش داریم، همان امید های گذشته را که تا کنون بدان دست نیافته ایم، در وجود ما تداعی می نماید، بازگشت به زندگی بهتر، فضای مطمئن سیاسی، کار، اشتغال و رفاه اجتماعی، اینها و امید های دیگر همه ساله ما را به خود مشغول داشته است، و تا پایان عمر عطش این آرزو ها پایان نخواهد یافت؛ اما گفته اند که: "سالی که نیکوست از بهارش پیداست".

از نظر وضع اقلیمی و طبیعی این امید وجود دارد که سال آینده سال فراوانی، سال کار، زراعت و بهروزی خواهد بود و از همین اکنون دهقانان کشور از این سال بازدهی بلندی را در سر می پرورانند و این امیدواری وجود دارد که دهقانان و باغداران بتوانند، در سال آینده ثمرهٔ خوب به دست بیاورند؛ اما امیدی مهمتر مردم کشور ما در سال آینده، بازگشت به ثبات و استقرار سیاسی در کشور می باشد. سالهاست که مردم در قبال این گمشده یی خود روز شماری می کنند. ثبات، استقرار و امنیت همان صنم گریزپای مولانای بلخی است که می گوید:

بروید ای حریفان بکشید یار ما را
به من آورید یکدم صنم گریز پا را
اگر او به وعده گوید که دم دیگر بیایم
همه وعده مکر باشد بفریبد او شما را

بازگشت به ثبات و صلح به یک هاله یی از ابهام در افغانستان تبدیل گردیده است و این معشوقه یی هر دم خیال و با مزاج دمدمی ظرف سال های زیاد کاشانه های زیادی را به امید وصل ویران نموده است. نبود صلح و ثبات، کشور را به یک پرتگاه تبدیل کرده است. شایسته سالاری، دموکراسی، پول های باد آورده و سخنان پر طمطراق کشورهای یکه تاز نتوانسته است در این راستا کارساز واقع گردد.

امروز همه یی مردم به گفتهٔ سعدی می خواهند غم دل خود را در دنیایی از ثبات و صلح به یکدیگر زمزمه کنند؛ زیرا تمام شریان های زندگی به این موضوع بستگی دارد. افغانستان نیاز دارد به مثابهٔ عضو جامعهٔ جهانی زندگی کند. کشور ما حق دارد نظر به گذشته های تاریخی خویش، عضو فعال کنفرانس اسلامی و یک شریک مهم معادلات جامعهٔ جهانی باشد. در سال جدید مردم شریف افغانستان دو کار مهم و اساسی در پیش دارند. اول بر قراری صلح و ثبات سیاسی و دیگری ایجاد بستر های مناسب برای انتخابات سال بعد و زعامت ملی که هر دو از اولویت های اساسی سال آینده و سال های پس از آن را می سازد.

واقعیت های موجود در افغانستان نشان داد که نه ناتو و امریکا و نه کشورهای همسایه و نه هم اشغال های پیش از این توانسته است در این کشور ثبات سیاسی را به وجود آورد. آنچه در اینجا مهم است یکدیگر پذیری، تحمل دیگران و گفتمان پیرامون مشارکت سیاسی در میان اقوام افغانستان است. جای دارد که حکومت افغانستان و پارلمان کشور به مثابهٔ عنصر مهم بازگشت به ثبات سیاسی نقش اساسی داشته باشد؛ اما طوری که دیده می شود این عنصر داخلی در غیاب به سر می برد، در حالی که این حکومت ولو هر قدر بی برنامه و بی مبالات در مورد سر نوشت کشور بوده باشد، بازهم بر منافع ملی کشور نسبت به دیگران بهتر وقوف دارد.

آرزومندی بر این است که در سال جدید مردم نظاره گر چپاول های بیشتر، کشتار بیشتر و نقض فراوان حقوق انسان های مظلوم نباشند. مردم در سال جدید از حاکمیت موجود، کار، اشتغال، عدالت اجتماعی و برنامه های کلان ملی را مطالبه می نمایند، چیزی که به افسانهٔ قرن در این جغرافیای سیاسی تبدیل گردیده است.

در سال جدید مردم افغانستان فقط امیدهای گذشته یی خود را تجدید می کنند و این تجدید امیدها در حقیقت بهانهٔ برای زندگی در این سر زمین می باشد؛ اما امید بر این است که در این سال مردم بتوانند یک سلسله تضمین های بین المللی را در جهت بازگشت به سوی ثبات در کشور به وجود آورد، تا این کشور بتواند در سال ۲۰۱۴ میلادی حاکمیت ملی خویش را درست تمثیل کند و امنیت کشور را تامین نماید. اینها و ده ها موارد دیگر از امیدهایی است که مردم در سال جدید انتظار آن را دارند.

هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

آنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است.
قرآن کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما
رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ سی و نهم ۲۷ حوت ۱۳۹۰ ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۳۳ – 17 March 2012

مصباح شعیب

آیا نیروهای ائتلاف بین المللی در زمان تعیین شده افغانستان را ترک خواهند کرد؟

به روال سفر های غیر مترقبهٔ سران کشورهای خارجی به کشورما، انگلا مرکل صدراعظم آلمان هفتهٔ گذشته، وارد شهر مزارشریف شد و با نیروهای کشورش مستقر در آن ولایت دیدار کرد. وی در سخنانش گفته است، مطمین نیست نیرو های کشورش بر اساس پلان قبلی، در سال ۲۰۱۴ میلادی از افغانستان بیرون شوند. او افزوده است، در حال حاضر این را هم گفته نمی تواند که آیا آلمان در سال ۲۰۱۳ یا ۲۰۱۴ به این هدف دست خواهد یافت. بنا به گزارش رسانه های آلمانی، انگلا مرکل از حکومت افغانستان خواسته تا تلاش های صلح و پروسهٔ مصالحه با مخالفین مسلح را سرعت بخشد. «پروسهٔ مصالحه سیاسی توسط حکومت افغانستان به پیش برده شده و اخیراً برخی پیشرفت ها در این مورد صورت گرفته است. این اقدام تا حدی از سوی جامعهٔ بین المللی حمایت، می شود اما تا حالا به جایی نرسیده که کسی گفته بتواند، ما می توانیم امروز خروج را آغاز کنیم. به همین خاطر، من گفته نمی توانم که تا سال ۲۰۱۳ یا ۲۰۱۴ از افغانستان خارج می شویم.»

خانم مرکل که از ولایت بلخ با حامد کرزی تلفنی تماس گرفته، از او خواسته تا به هدف صحبت در مورد سند مشارکت ستراتیژیک میان دو کشور (آلمان و افغانستان)، پیش از برگزاری کنفرانس شیکاگو، سفری به آلمان داشته باشد. در یک سال اخیر، کشورما شاهد عقد و یا هموار سازی زمینهٔ پیمان ها و سندهای استراتیژیک با برخی کشورها می باشد، در صورت پایبندی به مفاد پیمان ها، اعلامیه ها و سندهای استراتیژیک، به یقین کشورما به سوی تعالی و ترقی رهنمون می شود.

هفتهٔ گذشته (۲۲ حوت)، تحت ریاست آقای دیوید اندریف هیأتی از اتحادیهٔ اروپا به کابل آمد. که هدف از آمدن این هیأت را گفتگو با مقامات افغانستان در رابطه به پیمان استراتیژیک میان افغانستان و اتحادیه اروپا خوانده اند. قرار است این پیمان که در بخش های نظامی، سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی می باشد، به امضا برسد، و این اولین گفتگوی مقامات اتحادیهٔ اروپا با مقامات افغانی در این راستا می باشد. گفته می شود، قرار است این پیمان بین افغانستان و اتحادیهٔ اروپا برای ده سال (پس از ۲۰۱۴) ادامه یابد.

در حالی که صدراعظم آلمان گفته است، هنوز زمان خارج شدن نیروهایش از افغانستان فرا نرسیده است، باراک اوباما رئیس جمهور امریکا نیز در شبکهٔ (کی، دی، کی، ای) در جواب سوالی که آیا حادثهٔ قندهار (که یک سرباز امریکایی ۱۷ عضو سه خانواده را به شهادت رسانید) خروج نیروهای شما را از افغانستان سرعت می بخشد، گفته است: "برای ما مهم است که خود را مطمئن بسازیم که روش مسوولانه را درپیش گرفته ایم؛ طوری که ما در نهایت به عقب باز نگردیم... اما آنچه ما در این راستا نمی خواهیم انجام بدهیم، این است که در خروج از افغانستان عجله نورزیم". ادامه سفر های مقامات غربی، لیون پنیتا وزیر دفاع امریکا در اخر هفته گذشته وارد افغانستان گردید. آنگونه که خودش گفته است هدف سفر او را دلجویی مردم و دولت افغانستان و مذاکرات دوجانبه بر سر مسایل جنگ صلح و امضاء پیمان راهبردی میان افغانستان و امریکا تشکیل می داد.

سناتور جعلی در قندهار و خشم مجلس سنا

فیض



چندی پیش از طریق رسانه ها پخش شد که آقای توریالی ویسا والی قندهار با یک نفر سناتور جعلی ملاقات و گویا معلومات های محرم را در اختیار این فرد قرار داده است. در صورت این گزارش صحت داشته باشد این عدم آگاهی و غفلت را وانمود می سازد که خیانتی ملی پنداشته می شود. مجلس سنای کشور که دوبار از والی قندهار خواسته است تا به این مجلس آمده در مورد وضاحت دهد، اما وی حضور نیافته است، روز یکشنبهٔ هفتهٔ گذشته، این مجلس تصمیم گرفتند که طی مکتوبی عدم حضور والی قندهار در مجلس سنا را به رئیس جمهور کرزی اعلام و همچنین به لوی سارنوالی معرفی گردد.

بر اساس گزارش ها، حدود یک ماه پیش، منابع امنیتی افغانستان از کشف هویت جعلی فردی که خود را سناتور و عضو کمیتهٔ امور دفاعی مجلس سنا نامیده، و با مقام های محلی ولایت قندهار از جمله والی آن ولایت نشست داشته، خبردادند. گزارش ها حاکی است که، این مرد با هویت جعلی توانسته به اطلاعات حساسی دست یابد.

در مجلس سنا آقای ویسا متهم می کنند که بیش از ۵۰ میلیون دالر را به خاطر پروژه های انکشافی از دولت گرفته، اما هیچ کاری را انجام نداده است. به ادعای این مجلس، مدیریت والی قندهار را بی نهایت ضعیف خوانده اند.

اما سخنگوی والی قندهار به رسانه ها گفته است، نسبت مصروفیت کاری، در حضور آقای ویسا به مجلس سنا تأخیر رخ داد، که به زودی به خاطر وضاحت به مجلس سنا حاضر خواهد شد.

پیش از این، آقای رئیس جمهور هم طالب جعلی را که بعداً دکانداری در کویتهٔ پاکستان خوانده شد، با تأدیهٔ پول زیادی در ارگ ریاست جمهوری پذیرایی کرده بود.

عجیب است، مردم از بانکنوت ها و اسناد جعلی آگاهی داشتند، اما از افراد جعلی که به سطح بالا مقامات را بفریبد در این اواخر آوازه اش بلند شده، باعث نگرانی شان شده است!

به دنبال حادثهٔ دلخراش بدخشان

اینبار برفکوچ از مردم نورستان قربانی گرفت

ریزش برف و زمستان سرد امسال علاوه از این که فوایدی در ازدیاد آب و فراوانی غله جات و علوفه دارد خشک سالی را از بین می برد و مردم را به بهار و سال آینده امیدوار می سازد، از جانبی به مشکلات مردم و مستمندان نیز افزوده است. ریزش برف و وقوع برفکوچ ها جان تعدادی از هموطنان ما را در برخی ولایات گرفت.

هفتهٔ گذشته از ولایت نورستان خبر رسید که ۱۵خانه در قریه های پوشال و کرو در ولسوالی مندول، زیر برفکوچ شده و ۴۵ تن در این رویداد جان باخته اند.

بنا به گفتهٔ مسوولین ولایت نورستان، کشته شده گان شامل کودکان، زنان و کهن سالان بوده اند. مقامات محلی نورستان از حکومت مرکزی و نهادهای کمک کنندهٔ بین المللی خواسته اند تا در این راستا، با آنها کمک نمایند.

دو هفته پیش در ولسوالی های شکی و نسی ولسوالی درواز ولایت بدخشان ریزش برف خسارات هنگفت جانی و مالی را به مردم محل به بار آورد که گفته شد، یک قریهٔ ۲۰۰ نفری زیر آواز برف گیر ماندند که باشندگان قراء همجوار توانستند ۵۵ تن آن ها را که در عمق برف نبودند، جسد های شان را بیرون نمایند. اما بنا به گزارشی، ۱۴۵ تن دیگر در زیر آوار برف لادرک می باشند که در ماه تابستان، بعد از آب شدن برف، جسدهای شان بیرون آورده خواهد شد.

همچنان برف کوچ های اخیر در سالنگ نیز جان تعدادی را گرفته است. از برخی فقرا و افراد بی بضاعت و خیمه نشینان نیز گزارش شده است که در اثر سرمای شدید جان داده اند. که اکثریت آن ها را اطفال و کهن سالان تشکیل می دهد.

آگاهان امور بدین باور اند که دولت و نهادهای رسیدگی به حوادث طبیعی، در تدابیری که واقعه را پیش از وقوع آن جلوگیری نماید،توجه نموده و حتی بعد از وقوع حادثه هم رسیدگی قابل ملاحظه ای به نظر نمی رسد.



بنا به گفتهٔ شیخ علی احمد فکور منجم و ستاره شناس کشور، سالی که تاچند روز دگر حلول می کند، سال نهنگ بزرگ است. به گفتهٔ وی، این سال دارای خصوصیات متعدد است، وفرت باران و برف ، سردی هوا و آسیب پذیری اندک و ناچیز حاصلات سردرختی از جمله خصایص این سال می باشد.

آقای فکور، که با آژانس باختر صحبت کرده، گفته است، درین سال غله بسیار می گردد. اما موصوف این سال را سال نیمه جنگی نیز خوانده است. به گفته آقای وی، درین سال تصامیم بزرگ اتخاذ می شود و در دنیا آدم های سیاسی بلند پرواز وارد صحنه می شوند.

به گفتهٔ وی، سال ها در درازنای تاریخ در ویغور چین و جاپان نامگذاری شده، زیرا درین کشورها منجم و ستاره شناس های زیادی وجود داشت.

به گفتهٔ موصوف، بیش از شصت سال، سال های که به نام حیوانات مسمی گردیده، تکرار می شوند و در سال تکراری به نام هر حیوان که باشد، بزرگ در کنار آن افزوده می شود. او فورمول سال های نامگذاری شده را درین دو بیتی خلاصه کرد.

موش و بقر و پلنگ و خرگوش شمار
زین چهارکه بگذرد نهنگ آید ومار
زین بس به اسب و گوسفند است حساب
حمدونه و مرغ، سگ و خوک آخرکار